

حقیقت و شئون امامت از دیدگاه شیعه و اهل سنت

بهمن علی سخنور^۱

چکیده

امامت به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در اسلام، در دو گروه اصلی شیعه و اهل سنت به شکل‌های مختلفی تفسیر می‌شود. هر دو گروه به وجود امامان به عنوان رهبران معنوی اعتقاد دارند؛ اما تفاوت‌های اساسی در تعریف، اهمیت و اهلیت این امامان وجود دارد. در دیدگاه شیعه، امامت به عنوان مقامی معنوی و دینی تلقی می‌شود که انسان را به رهبری و هدایت می‌رساند. امامت در دیدگاه شیعه نه تنها به عنوان رهبری در جوانب دینی مورد تأکید است، بلکه به عنوان یک مؤسسه سیاسی و اجتماعی نیز مطرح می‌شود که امور امت اسلامی را رهبری می‌کند. در مقابل، اهل سنت امامت را به عنوان رهبری در امور دینی و جامعه مطرح می‌کنند، اما تفاوت اصلی آن‌ها با شیعه در مورد شخصیت و اهلیت امامان است. آن‌ها معتقدند که امامان بر اساس انتخاب و پذیرش از جامعه و بر اساس صفات دینی و علمی انتخاب می‌شوند، اما معصومیت و انتخاب از سوی خداوند برای ایشان تأیید نمی‌شود. با توجه به اهمیت امامت در اسلام، بررسی دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بررسی می‌تواند به درک بهتر این مفهوم مهم در اسلام و ادامه بحث‌های فکری و دینی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: امامت، شئون، اهل تشیع، اهل تسنن، موضع وفاق، موضع خلاف.

۱. کارشناسی ارشد کلام اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.



مقدمه

شئون امامت از دیدگاه شیعه و اهل سنت یکی از موضوعاتی است که در زمینه اعتقادات دینی بسیار اهمیت دارد. امامت به معنای رهبری و پیشوایی در جامعه اسلامی است و در این دو فرقه اهمیت ویژه‌ای دارد. شیعه و اهل سنت از نظرات مختلفی درباره امامت و نقش امامان دارند که می‌تواند از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گیرد.

در اسلام شیعی، امامت به معنای رهبری الهی و پیروی از امامان معصوم است که از نظر شیعیان، امامان پس از پیامبر اسلام، به‌عنوان ادامه و تکمیل نبوت در نظر گرفته می‌شود و آنان را منتخب الهی می‌دانند. از سوی دیگر، امامت در اهل سنت به‌عنوان رهبری دینی و اجتماعی دیده می‌شود که مسئولیت هدایت امت اسلامی را بر عهده دارد که از نظر دینی و علمی صاحب ویژگی‌های مشخصی است، برخلاف شیعه که امامت را به‌عنوان نوعی تکلیف الهی و ادامه نبوت می‌دانند. با این تفاوت‌ها، شیعه و اهل سنت هر دو به امامت و اهمیت آن در جامعه اسلامی اهمیت زیادی می‌دهند و این موضوع برای هر دو گروه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ضرورت تحقیق

عنوان «بررسی شئون امامت از نظر شیعه و اهل سنت» در زمینه مطالعات دینی و اسلامی بسیار اهمیت دارد. این موضوع از جهات گوناگونی از جمله اعتقادات و تاریخچه دینی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله به دلیل اهمیت بالای موضوع و تأثیرگذاری آن بر فهم و تفکر جامعه اسلامی می‌تواند به افزایش فهم و تعامل بین اعضای دو فرقه و درک بهتر از تفاوت‌ها و توافقاتشان منجر شود. با توجه به اهمیت موضوع «بررسی شئون امامت از نظر شیعه و اهل سنت» در زمینه مطالعات دینی و اسلامی، پیشینه تحقیق این عنوان به دو بعد اصلی تقسیم می‌شود: ابعاد تاریخی و ابعاد اعتقادی. ابعاد تاریخی: در این بخش، تحقیقات متعددی از دوران اسلام اولیه تا به امروز انجام شده است. بررسی نقش و اهمیت امامت در تشکیل حکومت‌های اسلامی، پذیرش و ردی از آن‌ها توسط گروه‌های مختلف و انتقادات و پاسخ‌هایی که به نظریات مختلف درباره امامت ارائه شده است، از جمله مباحثی است که مورد توجه قرار گرفته‌اند. ابعاد اعتقادی: در این بخش مبانی اعتقادی و منابع دینی هر دو گروه، تفاوت‌ها و توافقات در نگرش به امامت و تأثیر این دیدگاه‌ها بر تفسیرهای دینی و روایات مربوط به امامت از جمله موضوعاتی هستند که بررسی می‌شوند.

این مقاله به دنبال تبیین و بررسی دیدگاه دو مذهب شیعه و اهل سنت، در مورد جایگاه و نقش امامت در دین اسلام است. نویسنده با بررسی منابع و متون دینی هر دو مذهب به دنبال ترسیم تصویری روشن از وظایف، ویژگی‌ها و جایگاه امام در اسلام از نگاه هر دو مذهب است.

تعریف امامت

امامت در لغت: به معنای قصد و آهنگ به سوی هدفی معین گرفته شده و به معنای هر چیزی است که انسان به آن توجه کند و مقصود و پیشوای او واقع شود، خواه انسانی باشد که دیگران به او اقتدا نمایند یا کتابی که به دستورات آن عمل شود و چه آنکه رهبری و پیشوایی او در مسیر حق و صراط مستقیم باشد یا در مسیر باطل و گمراهی. در قرآن کریم، لفظ (امام) در همه موارد مزبور به کار برده شده است. اما در اصطلاح دینی، امامت به معنای ریاست عمومی در امور دینی و دنیایی است و امام به کسی گفته می‌شود که به جانشینی از سوی پیامبر (ص)، این ریاست را به عهده می‌گیرد (حلی، ۱۴۰۵، ص. ۲).

اول: حقیقت امامت

متکلمان و اندیشمندان اسلامی، امامت را به ریاست و رهبری جامعه اسلامی در زمینه امور دنیوی و دینی تعریف کرده‌اند. به عنوان نمونه برخی از تعاریف آنان را مختصراً یادآور می‌شویم.

- شیخ طوسی: «الامامة رئاسة عامة في امور الدين و الدنيا بالاصالة في دارالتكليف؛ امامت، رهبری عمومی و بالاصالة در زمینه امور دین و دنیا در سرای تکلیف است» (طوسی، ۱۴۰۵، ص. ۴۲۶).
- ایچی: «الامامة رئاسة عامة في امور الدين و الدنيا لشخص من الاشخاص؛ امامت، رهبری عمومی است در امور دینی و دنیوی برای فردی از افراد» (ایچی، ۱۴۲۵، ج. ۸، ص. ۳۴۵).

با دقت به تعاریف فوق، بایستی نکاتی را مورد دقت قرار داد که خالی از فایده نیست.

اولاً: منظور از قید «بالاصالة» در تعریف اول، احتراز از رهبری مسلمانان به نیابت خاصه یا عامه از جانب امام است؛ مانند نواب خاصه و نواب عامه امام عصر (عج) و مانند والیانی که از طرف امیرالمؤمنین (ع) و خلفای دیگر برای سرزمین‌ها و مناطق مختلف تعیین می‌شدند. ثانیاً: منظور از دارالتکلیف این است که امامت مصطلح در علم عقاید و کلام، امامت مردم در دار دنیا است. از تعاریف ذکر شده به دست می‌آید که متکلمان و اندیشمندان اسلامی، اعم از شیعی و سنی، امامت را تنها یک جایگاه و مقام سیاسی که وظیفه آن برقراری نظم و امنیت اجتماعی و سامان بخشیدن به امور مادی و مسائل مربوط به حیات دنیوی مردم است، نمی‌دانند، بلکه آن را جایگاه و مقام و منصبی دینی می‌دانند که عمل کردن به آن، یک فریضه دینی به شمار می‌آید.



حقیقت امامت در قرآن

در آیات چندی از قرآن واژه امامت استفاده شده است که در بعضی موارد پیامبران الهی را به عنوان امام معرفی نموده مانند حضرت ابراهیم و در بسیار از آیات دیگر کتب آسمانی را به عنوان امام معرفی نموده است و از طرف دیگر همان طور که متکلمین امامت را به امامت عامه و امامت خاصه دسته بندی نموده است، این پرسش ممکن مطرح خواهد شد که آیا امامت در قرآن امامت عامه منظور است یا امامت خاصه؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که امامت در قرآن نیز همین دسته بندی را دارد. در بحث امامت خاصه از امامت و جانشینی پیامبر (ص) برای خصوص حضرت علی (ع) یا اهل بیت و یا کل امامان دوازده گانه سخن به میان می آید و در این باره، به آیات فراوانی از قرآن استشهاد می شود؛ به ویژه آیات ولایت، تبلیغ، اکمال دین، تطهیر، مودت و مباحله و... بحث امامت عام نیز در دو محور قابل طرح است:

- آیاتی که واژه امام یا ائمه صریحاً در آن‌ها به کار رفته است.
- آیاتی که می توان از آن‌ها امامت عامه را استنباط کرد، بدون اینکه خود واژه «امام» در آن‌ها به کار رفته باشد.

ما در ابتدا آیات را ذکر و سپس مباحثی را که با موضوع مقاله مرتبط و از آیات قابل استفاده است، در ذیل آن طرح می کنیم. «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمَنْ قَبْلَهُ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۗ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ...» (سوره هود: ۱۷).

پس آیا کسی که دارای حجتی روشن از جانب پروردگار خویش است (یعنی رسول خدا (ص)) و گواهی از وی به دنبال اوست و پیش از او کتاب موسی که پیشوا و رحمتی بوده است (نیز گواه او است)، این‌ها به آن (قرآن) ایمان می آورند...» در این آیه، کتاب موسی (تورات) امام و رحمت نامیده شده است. از اینجا شاید بتوان نتیجه گرفت که همه کتاب‌های آسمانی و به ویژه برترین آن‌ها (قرآن)، امام و پیشوا و راهنمای انسان‌ها هستند؛ بنابراین پیشوایان الهی در قرآن بر دو گونه‌اند: ۱- پیشوایان انسانی نظیر انبیای الهی، ۲- کتاب‌های آسمانی نظیر تورات و قرآن و از همین قبیل است سوره احقاف، آیه ۱۲: «وَمَنْ قَبْلَهُ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۗ وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ» (سوره احقاف: ۱۲). و حال آنکه پیش از آن، کتاب موسی همچون پیشوا، راهنما و رحمت بود و این کتابی است در بردارنده (آن) به زبان عربی تا کسانی را که ستم کردند بیم دهد و نیکوکاران را نوید باشد.

در این آیه نیز امام بر کتاب موسی، یعنی تورات، اطلاق شده است. حال با ملاحظه این آیات نتیجه می گیریم که اولاً مصادیق (امام و ائمه) در قرآن در چهار عنوان منحصر می شود که عبارت‌اند از: ۱- انسان (پیشوای انسانی اعم از حق و باطل)، ۲- کتاب، ۳- لوح محفوظ، ۴- راه و مسیر. ثانیاً به گفته راغب اصفهانی، امام به معنای «مؤتم به و مقتدا» است، خواه انسان باشد، خواه کتاب و خواه غیر آن دو (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص. ۲۴). مصادیق چهارگانه فوق را هم که در قرآن بر آن‌ها «امام» اطلاق



شده، می‌توان در این معنا (مقتدا بودن) شریک دانست؛ یعنی به تورات، لوح محفوظ و جاده هم امام اطلاق شده، چون همانند پیشوای انسانی مورد اقتدا و مورد قصد و توجه مخصوص قرار دارند و این معنا قدر مشترک و جامع آن معانی است. البته این اقتدا در مورد پیشوایان انسانی ظاهراً و کاربرد قرآنی‌اش نیز بیشتر است. ثالثاً مهم‌ترین ویژگی امامان حق در قرآن عبارت است از: ۱- مبتلا شدن و صبر و استقامت ورزیدن، ۲- یقین داشتن، ۳- جعل و نصب الهی، ۴- دوری از ظلم.

حقیقت امامت در نگاه متکلمان شیعه

لازم است در ابتدا اقوال چندی از علما و متکلمین شیعه را به‌عنوان نمونه بیان کنم:

- شریف مرتضی در کتاب الشافی فی الامامة در مورد امامت چنین می‌گوید: «الإمامة رئاسة عامة فی أمور الدنيا و الدین» (سید مرتضی، ۱۴۱۰ق، ج. ۱، ص. ۵). امامت، ریاست عام و فراگیر در امور دینی و دنیایی است.
- علامه حلی درباره حقیقت امامت می‌نویسد: «الإمامة رئاسة عامة فی أمور الدین و الدنيا لشخص من الأشخاص نیابة عن النبی (ص)» (حلی، ۱۳۷۰ش، ص. ۳۹)؛ امامت به معنای ریاست عمومی در امور دین و دنیا برای شخصی از اشخاص به نیابت از پیامبر (ص) است.

حقیقت امامت از منظر اهل سنت

ماوردی که یکی از متکلمین اهل سنت است، در کتاب الأحكام السلطانية، وظیفه امام را نگرهبانی برنامه‌های دین و تدبیر امر دنیای مردم می‌داند. وی بیان می‌دارد: «الإمامة موضوعة لخلافة النبوة فی حراسة الدین و سياسة الدنيا» (ماوردی، ۱۴۰۹ق، ج. ۱، ص. ۳). «امامت، به‌عنوان جانشینی از رسول خدا و به‌منظور حراست از دین و سیاست دنیا وضع شده است.» سعدالدین تفتازانی از علمای اهل سنت در کتاب شرح المقاصد، امامت را این‌گونه تعریف می‌کند: «الإمامة رئاسة عامة من أمر الدین و الدنيا خلافة عن النبی (ص)» (تفتازانی، ۱۴۰۱ق، ج. ۲، ص. ۲۷۲). «امامت عبارت است از ریاست فراگیر در امور دین و دنیا و جانشینی از رسول خدا (ص)». تفتازانی در ادامه، نظر فخر رازی را نقل می‌کند: «و قال الإمام الرازی هی رئاسة عامة فی الدین و الدنيا لشخص واحد من الأشخاص» (همان).

دوم: شئون امامت

علما و دانشمندان کلامی، اعم از شیعه و سنی، در این زمینه زحمات زیادی متقبل شده و امامت را از جهات گوناگونی مورد واکاوی قرار داده‌اند که در ذیل بیان می‌داریم:



شئون امامت از نگاه مکتب تشیع

در بین دانشمندان تشیع، عدۀ کثیری از علما در مورد امامت مطالبی بیان نموده‌اند؛ از جمله دانشمندانی که در این زمینه تحقیق قابل ستایش نموده‌اند، شهید مرتضی مطهری است. وی در روی آوردی جدید از بحث امامت، سه مقام و منزلت برای امامت مطرح کرده است که ما برای اختصار فقط به ذکر یکی اکتفا می‌کنیم.

شهید مطهری چنین می‌گوید: «امامت به معنای مرجعیت دینی، نوعی کارشناس اسلام است؛ یعنی امام کسی است که معارف کامل دین از سوی پیامبر در اختیارش قرار گرفته است؛ امام اسلام‌شناسی است که از یک طریق رمزی و غیبی - که بر ما مجهول است - علوم اسلام را از پیامبر گرفته است، علمی که عاری از هر نوع خطاست و هیچ اشتباه نمی‌کند؛ و البته این مانند اسلام‌شناسانی نیست که از روی عقل و فکر خودشان اسلام را شناخته باشند که قهراً جایز الخطا هستند.»

الف) مرجعیت دینی و علمی

مقصود از مرجعیت علمی و دینی این است که ائمه اهل‌البیت به جهت برخوردار بودن از مقام برتر علمی و دینی در جایگاه هدایت و راهنمایی مردم قرار داشته و همه مسلمانان به حکم وظیفه باید در اصول و فروع دین و سلوک اخلاقی به ایشان اقتدا کرده، وظایف و مسئولیت‌های خود را از آن عالمان فراگیرند. از وظایف و مقام‌های بسیار والایی که خداوند به پیامبرانش عطا کرده است، تفسیر و تبیین و بیان فروع دین است و چون امام در همه وظایف و مقام‌های پیامبر جز اخذ وحی جانشین پیامبر است، باید همانند او معارف دینی را از منبع خطاناپذیر در اختیار داشته و برای مردم بیان کند.

تأملی دوباره به ضرورت وجود امام در هر زمان، مرجعیت علمی و دینی او و جایگاه بلند این مقام را نشان می‌دهد. بدون شک پیامبر گرامی اسلام (ص) علاوه بر اخذ و ابلاغ وحی و نیز سرپرستی و حکومت اجتماعی، به امور دیگری اهتمام داشتند، از جمله:

۱- تفسیر قرآن و شرح مقاصد و اهداف و نیز کشف رموز و اسرار آن

۲- پاسخ به سؤالات و دفع شبهات و شک‌ها در مورد معارف دین

۳- حفظ دین و مراقبت از آن تا دچار تغییر و کم و زیادی نشود.

با رحلت پیامبر، نسبت به این امور سه احتمال مطرح است:

یک: خدا و پیامبر این امور را رها کرده باشند که در نهایت بعید است.

دو: امت اسلامی به درجه‌ای از رشد فکری رسیده بود که خودش می‌توانست این امور را مدیریت کند،

جای تأمل است.

سه: لازم است پیامبر جانشینی قرار دهد و نیازمندی‌های دینی و معرفتی مردم را نزد او به ودیعه بگذارد. با رد احتمال اول و دوم با دلایل عقلی و نقلی و مستندات تاریخی، احتمال سوم ثابت می‌شود؛ بنابراین کسی که می‌خواهد دین داشته باشد، باید مرجع دینی خودش را بشناسد و بداند که دین را از کجا بگیرد.

ب) رهبری سیاسی جامعه

نیاز جامعه به حکومت و رهبری، حقیقتی غیرقابل انکار است. امام علی (ع) فرمود: «إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ. ناچار برای مردم امیری لازم است، خواه نیکوکار یا بدکار باشد. مؤمن در امارت و حکومت او به طاعت مشغول است و کافر بهره‌خود را می‌یابد. همه با بودن امیر از هرج و مرج و اضطراب و نگرانی آسوده‌اند و خداوند در زمان او هر که را به اجل مقدر می‌رساند. با نبودن امیر، مردم به جان هم می‌افتند و به‌توسط او مالیات جمع می‌گردد تا در وقت حاجت به کار بندد و با دشمن جنگ می‌شود...» (سید رضی، ۱۴۱۴، ص. ۸۲). رهبری سیاسی جامعه در قالب حکومت و اداره امور جامعه مطرح می‌شود.

عموم متکلمین اسلامی در بحث هدف و فلسفه امامت به آن پرداخته‌اند. ما به بیان برخی از اقوال می‌پردازیم. متکلمان امامیه درباره اهداف و اغراض امامت به مطالبی اشاره کرده‌اند که در فضای مرجعیت و رهبری سیاسی تحقق می‌پذیرد.

مرحوم علامه حلی در بیانی بسیار جامع در این قسمت چنین گفته است:

- ۱- حفظ نظام اجتماعی مسلمانان: یعنی برقرار نمودن نظم و امنیت در جامعه، مورد توجه ویژه شارع مقدس است و این هدف و مقصود شرعی، بدون وجود پیشوا و امام بر حق که اطاعت و پیروی از او بر همگان واجب باشد، به دست نمی‌آید، زیرا بشر طبیعتاً اجتماعی است و به‌تنهایی توانایی حل مشکلات و تأمین نیازهای خود را ندارد و بلکه باید هر کس عهده‌دار مسئولیتی شود و کارها با مشارکت و تعاون به انجام رسد. ممکن است که برخی از افراد، از عهده‌دار شدن و انجام دادن مسئولیت خویش سر باز زنند و این امر، باعث برهم زدن نظام اجتماعی شود. لذا برای جلوگیری از ایجاد مشکلات، وجود امام و پیشوایی معصوم لازم است که با متخلف به‌گونه‌ای مناسب برخورد کند و از بروز اختلال در نظم اجتماعی جلوگیری کند.
- ۲- برقراری عدالت اجتماعی: یعنی زندگی اجتماعی برای بشریت یک امر ضروری، فطری و اجتناب‌ناپذیر است؛ و در وجود انسان، علاوه بر عقل و فطرت انسانی، تمایلات و غرایز حیوانی نیز وجود دارد. زمانی که غرایز و تمایلات حیوانی بر عقل و فطرت انسانی غلبه کند، انسان حریم قانونی خود را نقض کرده و به حقوق دیگران تجاوز می‌کند و باعث می‌شود تا عدالت



اجتماعی نقض شود. در چنین زمانی، وجود فرمانروایی مقتدر و عدالت‌پیشه، می‌تواند از قانون‌شکنی و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران از سوی ظالمان و قانون‌شکنان جلوگیری کند. ۳- اجرای حدود الهی: در شرع مقدس اسلام، برای برخی از گناهان مانند تهمت، سرقت (سوره مائده: ۳۸)، زنا (سوره نور: ۲) و کذب و... حدودی مقرر شده است که عمل به آن‌ها نقش مفیدی در جلوگیری از مفسد و مظالم اجتماعی دارد، اما اگر اجرای آن‌ها به دست افراد نااهل سپرده شود، نه تنها مانع از بروز و گسترش مفسد و مظالم نمی‌شود، بلکه خود، از عوامل پیدایش هرج و مرج و تعدی و تباهی خواهد بود. از این رو، اجماع مسلمانان، بر این است که اجرای حدود شرعی از شئون و مسئولیت‌های امام معصوم (ع) است» (حلی، ۱۴۰۵، ص. ۲).

شئون امامت از منظر اهل سنت

اهل سنت برای امامت شئون زیادی را ذکر کرده‌اند که به اهم آن اشاره می‌شود:

الف) اقامه حدود الهی

متکلمان معتزلی به صورت خاص بر این باورند که فلسفه وجود امام، جاری کردن حدود الهی است؛ زیرا جاری ساختن حدود الهی، واجب و ضروری است و از طرفی، وجود و اجرای آن، متوجه تمام مسلمانان یا فرد فرد آنان نیست، بلکه وظیفه امام معصوم است؛ بنابراین، وجود امام برای اجرای این احکام شرعی و قوانین الهی واجب خواهد بود. بسیاری از اندیشمندان اهل سنت نظریات زیادی ارائه نموده‌اند که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود.

ابوحفص نسفی اهداف و اغراض امامت را چنین بیان کرده است: «۱- تنفیذ و اجرای احکام اسلامی، ۲- اقامه حدود الهی، ۳- پاسداری از مرزها، ۴- تجهیز نیروهای دفاعی و...» (تفتازانی، ۱۴۳۰ق، ص. ۹۷). ابوحامد غزالی درباره وجود امام گفته است: «بدون شک نظام دین، مقصود شارع است و از طرفی، نظام دین جز با امامی که از دستورهای وی اطاعت شود، پایدار و استوار نخواهد شد. نتیجه این دو مقدمه، وجود نصب امام است.»

ب) رهبری سیاسی جامعه اسلامی

آنچه از نوشته‌ها و بیانات بزرگان اهل سنت استفاده می‌شود، این است که امر رهبری جامعه اسلامی، به صورت کاملاً آزاد و مستقل در دست مردم است. این مردم هستند که خود رهبر جامعه را برمی‌گزینند، همان‌طور که اوایل اسلام رقم خورد و به هیچ عنوان اذن و اراده الهی در انتخاب رهبر دخالت ندارند و اگر احتیاجی باشد، خداوند آن را به مردم وا گذاشته است.

در این زمینه از باب نمونه، نام چند تن از بزرگان اهل سنت ذکر می‌شوند که آنان به این امر اعتراف دارند:

- قاضی ابوبکر باقلانی می‌گوید: «اگر کسی گوید به رأی چند نفر، امامت و رهبری شخص مشروعیت می‌یابد؟ در جواب گوییم: به نظر و رأی یک نفر از اهل حل و عقد، امامت و رهبری شخص ثابت می‌گردد، در صورتی که آن شخص شرایط و خصوصیات لازم در امام را داشته باشد» (باقلانی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۲۶).
- عبدالقاهر بغدادی می‌گوید: «امامت و رهبری با رأی یک نفر از اهل کوشش و تقوا ثابت می‌شود برای شخصی که لایق آن باشد و در صورت بیعت یک نفر، بر سایرین لازم است که از او اطاعت کنند» (بغدادی، ۱۴۰۱ق، ص. ۲۸۰).
- قاضی ایچی می‌گوید: «چون ثابت شد که امامت و رهبری با اختیار و بیعت مشروعیت می‌یابد، دیگر نیازی به اجماع امت نیست؛ زیرا دلیل عقلی یا سمعی بر آن وجود ندارد، بلکه بیعت یک نفر یا دو نفر از اهل حل و عقد کفایت می‌کند».

نتیجه‌گیری

در این مقاله، دیدگاه شیعه و اهل سنت درباره شئون امامت بررسی شد. از دیدگاه اندیشمندان شیعه و اهل سنت، تفاوت‌ها و تقارن‌ها به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: ابعاد تاریخی و ابعاد اعتقادی. در ابعاد تاریخی، تاریخچه و تأثیرات امامت در تشکیل جوامع و حکومت‌های اسلامی بررسی می‌شود. این بخش نشان می‌دهد که نقش امامان و رهبران اسلامی در جهان اسلامی از دوران اولیه تا به امروز چگونه تغییر کرده است و چگونه این تغییرات بر تشکیل سیاست‌ها و اجتماعات اسلامی تأثیر گذاشته‌اند. در ابعاد اعتقادی، مفهوم امامت و نقش امامان از دیدگاه شیعه و اهل سنت بررسی می‌شود. این بخش نشان می‌دهد که چگونه شیعه و اهل سنت به امامت نگاه می‌کنند، تفاوت‌ها و توافقات در نظراتشان راجع به شئون امامت چیست و چگونه این دیدگاه‌ها بر تفسیرات دینی و روایات مربوط به امامت تأثیر می‌گذارد.



منابع

قرآن کریم.

- ایچی، عضدالدین. (١٤٢٥ق). شرح المواقف. قم: نشر الشریف الرضی.
- باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب. (١٤١٤ق). تمهید الاوائل (چاپ سوم). بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة.
- بغدادی، عبدالقاهر. (١٤٠١ق). اصول الدین (چاپ سوم). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر. (١٤٠١ق). شرح المقاصد فی علم الکلام (چاپ اول). پاکستان: دار المعارف النعمانیة.
- تفتازانی، مسعود بن عمر. (١٤٣٠ق). شرح العقائد النسفیة. قاهره: مکتبة کلیات الازهریة.
- حلی، حسن بن یوسف. (١٣٧٠). الباب الحادی عشر. مشهد: آستان قدس رضوی.
- حلی، حسن بن یوسف. (١٤٠٥ق). الالفین. کویت: مکتبة الالفین.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (١٤٠٤ق). المفردات فی غریب القرآن. قم: دفتر نشر الکتب.
- شریف المرتضی، علی بن الحسین الموسوی. (١٤١٠ق). الشافی فی الامامة. قم: مؤسسة اسماعیلیان.
- شریف رضی، محمد بن حسین. (١٤١٤ق). نهج البلاغة (للصیحی صالح). قم: نشر الشریف الرضی.
- ماوردی، علی بن محمد بن حبیب. (١٤٠٩ق). الأحکام السلطانیة. کویت: دار النشر.
- محقق طوسی، محمد بن محمد. (١٤٠٥ق). تلخیص المحصل. بیروت: دارالاضواء.